

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا رسول الله و آله الطیبین الطاهرین

المعصومین و اللعنة الدائمة علی اعدائهم اجمعین

اللهم وفقنا و جمیع المجتهدین و ارحمنا برحمتک یا ارحم الراحمین

بحثی که بود در روایاتی که در مجموع دو قاعده فراغ و تجاوز به آن ها تمسک شده، گفتیم این روایات کلاً خوانده بشود تا ببینیم کدام واضح تر است: اول روایتی را که متعرض شدیم روایت ابن ابی یعفور بود که مشکلاتش بیان شد، دوم روایتی بود که مرحوم شیخ هم از طریق کلینی یعنی از کتاب کافی نقل می کند و هم از طریق مرحوم شیخ مفید، عرض کردیم این روایتی را که روایت اول این باب است صفحه ۴۱۲، این را مرحوم شیخ طوسی ابتدائاً سندش را ذکر می کند و مثلاً به حسب ظاهر خیلی از سند با این کتاب، سند حدیث اولی که خواندیم ابن ابی یعفور مشابه است اما عرض کردیم با آن شواهد تاریخی ای که در دست داریم آن طریقی که در آن روایت ابن ابی یعفور بود ظاهراً کتاب الرحمة سعد باشد چون حدیث شاذی هم بود اصحاب هم درست بهش عمل نکرده بودند آن احتمالاً از کتاب الرحمة سعد باشد، در این جای حدیث دومی که مال حریز بود دیروز متعرض شدیم آن هم در سندش سعد هست اما آن ظاهراً از کتاب حسین ابن سعید است، شواهد فراوانی در دست داریم در مجموعه اسانید که کتاب حسین ابن سعید در اختیار شیخ بوده و مستقیم ازش، راجع به خود آن کتاب و نسخش و آن چه که الان دست ما رسیده احتیاج به بحث های دیگری دارد که جایش این جا نیست پس بنابراین به ذهن این طور می آید که مرحوم شیخ قدس الله نفسه سند خودش را کامل آورده، کتاب باید کتاب حسین ابن سعید باشد، آن وقت این مطلب دیگر هم روشن شد که گاهگاهی مرحوم صاحب وسائل این جور سند هایی را که کامل هست مثلاً می گوید باسناده عن الحسین ابن سعید، خود استظهار صاحب وسائل این است، استظهارش بد نیست اما نباید نوشته بشود. به هر حال عرض کردیم و باز مرحوم شیخ غیر از کتاب حسین ابن سعید از کتاب کافی هم این را نقل کرده و عرض کردیم مرحوم کافی دو نسخه از این کتاب داشته، یکی نسخه قمی که توسط ابراهیم ابن هاشم به قم آمده و یکی هم توسط فضل ابن شاذان در نیشابور، خوب است مجموعاً سه نسخه از این روایت در اختیار هست، یکی خود شیخ طوسی از کتاب حسین ابن سعید به حسب

ظاهر، دو تا هم شیخ کلینی، نسخه ابراهیم ابن هاشم و نسخه فضل ابن شاذان، خوبند، حالا آن فضل ابن شاذان به خاطر آن محمد ابن اسماعیل بعضی ها نق زدند و إلا هر سه طریق اجمالا خوب است.

عن حماد، خود حماد هم کتاب داشته هم راوی کتاب حریر است مثلاً کتاب الصلوة حریر را نقل کرده، خودش هم کتابی نوشته که اکثره عن حریر، لذا تشخیص این که آیا این کتاب حماد است یا حریر است یک مقدار مشکل است.

عن زرارة عن ابی جعفر علیه السلام، عرض کردیم شواهد ما حاکی نیست که مرحوم زراره بر فرض هم از امام باقر یا امام صادق مطالبی نوشته باشد کما این که یک شاهد داریم فتح الواحه لیکتب یعنی زراره ورق هایش را، الواحش را باز کرد تا بنویسند و لکن اگر هم بوده شاهی در دست نداریم که این مکتوبات را به شاگردانش داده است. ظاهراً صحبت مثلاً عنوان مثل جلسه درس مانندی بوده و ایشان می گفته که من با امام این جور گفتم امام این جور فرمود.

قال إِذَا كُنْتَ قَاعِدًا عَلَى وُضُوءِكَ فَلَمْ تَذَرِ أَوْ غَسَلْتَ ذِرَاعَيْكَ أَمْ لَا فَأَعِدْ عَلَيْهِمَا وَعَلَى جَمِيعِ مَا شَكَّكَتَ فِيهِ أَنَّكَ لَمْ تَغْسِلْهُ

این روایت مصدرش کاملاً واضح است، اصل کتاب کتاب حریر است، در کوفه تالیف شده و عرض کردیم کتاب حریر انصافاً جز امهات مصادر ماست و این سه نسخه از کتاب حریر مرحوم شیخ طوسی نقل می کند، حسین ابن سعید و نسخه ابراهیم ابن هاشم و نسخه، خوب است یعنی انصافاً شواهد موید است، فتوا هم بر همین است که در باب وضو قاعده تجاوز جاری نمی شود، اگر شک کرد در یک عضو سابق باید آن را اعاده بکند،

فَأَعِدْ عَلَيْهِمَا وَعَلَى جَمِيعِ مَا شَكَّكَتَ فِيهِ أَنَّكَ لَمْ تَغْسِلْهُ أَوْ تَمَسَّحْهُ

این یک نکته، بعد در این جا در ذیل روایت حالا در کلام اصحاب ما که همین عنوان است که قاعده تجاوز اما در این جا امام باقر سلام الله علیه یک نکته ای را هم اشاره می فرماید که حالا شاید نکته اش این باشد که آن وقت اگر نکته این باشد می شود تعمیم بدهیم به هر جایی که از این قبیل است

مِمَّا سَمَّى اللَّهُ

یعنی آن چیز هایی را که خداوند نام برده، عرض کردیم روایات مجموعاً معتنا بهی داریم و اساسش از امام باقر سلام الله علیه که ما اصطلاحاً در احکام شریعت یک فریضه داریم و یک سنت و فرائض باید در جمیع حالات حفظ بشوند، یکی از فروقش این است، حالا فروق دیگر هم دارند که فعلاً متعرض نمی شویم، یکی از فروق اساسی بین فرائض و سنن این است که فرائض اگر به آن ها اخلال بشود بحال من الحالات عذراً او عمداً، البته عذر هم اصحاب اختلاف دارند که چه چیز هایی عذر است مثلاً جهل عذر هست یا نه، عذراً او عمداً، آن عمل باید اعاده بشود اما اگر اخلال به سنن بود مشکل ندارد، آن وقت فریضه ما فرض الله و سنة ما سنه النبی، این روایت اشاره به این نکته هم دارد که مما سمی الله تعالی، آن چه را که خدا نام برده، این شاید اشاره به این باشد که قاعده تجاوز اگر جاری نمی شود به خاطر این است که تمام این اجزای وضو مما سماه الله لذا قاعده تجاوز مثلاً در نماز جاری می شود اما در وضو چون دارد فاغسلوا وجوهکم و ایدکم الی المرافق و وامسحوا برئوسکم و ارجلکم، بلکه یک مطلب دیگری که می ماند آن هم در بعضی روایات دیگر آمده، حالا متعرض آن نمی شوم، فعلاً همه روایات را نمی شود متعرض شد

پرسش: در نماز هست؟

آیت الله مددی: در نماز با عنوان اقيموا الصلوة آمده، فارکعوا امر داریم اما امر ضمیش نیامده، امر استقلالیش آمده، فاسجدوا هم دارد اما به عنوان این که إذا قمتم الی الصلوة فکبروا و اقرئوا این ها را دیگر نداریم، اگر این باشد آن نکته هم فنی تر می شود، در کلمات اصحاب ما این را من سابقاً توضیحاتش را چند بار عرض کردم این قاعده فریضه و سنت این درست تحلیل نشده، حالا سرش چیست باید یک وقتی بحث بشود، بیشترین قسمت قاعده فریضه و سنت در روایات امام باقر سلام الله علیه است، در آن جا حضرت فرق بین فریضه و سنت را می گذارند که فرائض با سنن چه فرقی می کند و این مطلب مهمی است یعنی انصافاً مسئله فریضه و سنت.

پرسش: روایاتش کدام است؟

آیت الله مددی: سألت عن الفرض فی الصلوة قال علیه السلام سبعة صلواة، قال علیه السلام لا تعاد الصلوة إلا من خمس، قال و القراءة سنة و التشهد سنة و لا تنقض السنة الفريضة إلی ما شا الله، قلت مثلاً این که البته این قلت اش به نظرم از امام صادق باشد. جنبی

هست و میتی، امام فرمود غسل جنابت مقدم است چون غسل جنابت فريضة، لأن غسل الجنابة فريضة عرض کردم یک بحثی است که مطرح شده و انصافا اگر این مباحث اصول را به آن طریقی که در ذهن این حقیر صاحب تقصیر بود که در هفت محور مطرح بکنیم که کار را عرض بکنیم اگر بنا بود باید این بحث را در محور چهارم می گذاشتیم، خود تشریع و مقام تشریع و آن خصائص و ویژگی هایی که تشریع در این شریعت مقدسه دارد که سنت و فريضة است، سنت ما سنّ النبی و فريضة ما فرضه الله، آن وقت مفاد لا تعاد این است که این پنج تا فريضة هستند نماز به خاطر آن ها اعاده می شود مطلقا، بعد از او بغیر عذر اما با قرائت و اخلال به تشهد و قرائت و این ها نماز اعاده نمی شود چون این ها سنت هستند و السنة لا تنقض الفريضة و لا تنقض السنة الفريضة، سنت فريضة را نقض نمی کند یعنی اگر اخلائی به سنت شد و فرائض به حال خودشان محفوظ ماندند آن اخلال تاثیرگذار نیست، این خلاصه این حدیث مبارک است.

پرسش: مثل فرق رکن و غیر رکن

آیت الله مددی: آهان شبیه فرق رکنی و غیر رکنی است.

اما در روایت رکن نیست، این بحث فريضة و سنت اختصاص به ما هم ندارد، در اهل سنت هم هست و در حقیقت این که سنت چیست اصلا بحثی دارد که ما چند بار اشاره وار متعرض شدیم و انصافا خب بحث خیلی جالبی هم هست، بحث خیلی مفیدی هم هست مخصوصا این قسمتش که چطور شد اصحاب ما خیلی دنبال این قاعده نیفتادند، در خلال کلماتشان فرض کنید حتی مثل اخباری هایی که داریم مثل صدوق گاهگاهی آمده و أنه سنة یا فريضة اما این مقدار آمدنشان تابع آن مقداری است که در روایات آمده است، مثلا اگر غسل جنابت باشد و غسل میت باشد روایت را باید ببینیم از امام باقر است یا امام صادق است، الان در ذهنم نیست، فکر می کنم امام صادق باشد که حضرت فرمودند لان غسل الجنابة فريضة چون غسل جنابت فريضة است فريضة بر سنت مقدم می شود.

پرسش: فريضة در قرآن هم نیامده چطوری بحث فريضة آمده؟

آیت الله مددی: این ها در توضیحات قاعده سنت و فریضه هست که راه شناخت سنت و فریضه چیست، آیا به مجرد ذکر در قرآن است یا اگر در روایات هم تصریح شده باشد.

پرسش: موسی ابن جعفر دارد

آیت الله مددی: موسی ابن جعفر نیست، امام صادق نیست؟ عن جنب و مية

یکی از طلاب: لأنَّ غسْلَ الْجَنَابَةِ فَرِيضَةٌ وَ غَسْلُ الْمَيِّتِ سُنَّةٌ وَ التَّيْمُمُ لِلْآخِرِ جَائِزٌ

آیت الله مددی: این از کیست؟

یکی از طلاب: از فقیه است صحیحه عبد الرحمن بن أبی نجران (الثقة المذكورة في الفقيه) قال: سألت أبا الحسن موسى بن جعفر عليهما السلام

آیت الله مددی: روایت دیگر از امام صادق فکر می کردم باشد

علی ای حال کیف ما کان این تعابیر را اگر خب بعضی از دوستانی که سابقا در بحث بودند چند سال قبل این بحث ها را جمع کردیم، اخیرا یک رساله کوچکی چاپ کرده، سنت و فریضه را جداگانه بررسی کرده و روایاتش را بررسی کرده. این بحث طولانی است انصافا خیلی کار می خواهد چون در دنیای اهل سنت هم مطرح شده، سنت نه به معنای مستحب بلکه ما سنّه النبی، این باید تمام فروض مسئله روشن بشود، حقیقت سنت، حقیقت فریضه چون ظاهرا سنی ها سنت را جور دیگری معنا می کنند غیر از آنی است که در روایات ما آمده است، ما یک مقداری هم این بحث را به یک مناسبتی در بحث تعارض مطرح کردیم که در مورد تعارض این سنت و فریضه هم ملاحظه بشود، اگر به روایات برگردیم امثال مثلا مثل صدوق اگر جایی سنت و فریضه آمده در همان جایی که در روایات آوردند اما اگر لسان روایات بررسی بشود خیلی اوسع فهمیده می شود، آقایان اخباری و علمای سابق ما چون تنقید به نص داشتند این در همین جا مثلا فهمیده غسل جنابت و غسل میت اما اگر جو مسئله و حدود مسئله را دقت بکنیم این مسئله شامل باب ترتب در خیلی جاها می شود، در باب تراحم در خیلی جاها

پرسش: مقاصد شریعت

آیت الله مددی: نه مقاصد، اصلاً مفاد حدیث این است و اصولاً اگر تزاممی شد این طور که مرحوم نائینی آوردند و دیگران یا ترتبی شد مثلاً این آقایان معاصر ما آن هایی که ترتب را قبول کردند فرقی بین سنت و فریضه نگذاشتند، اهم و مهم، طبق این تصویری که این حقیر دارد در محل خودش هم گفتیم تکراراً خلال بحث ها اگر بنا بشود اخلال به فریضه بشود سنت مَهماً کان مَهماً درست نیست، این ترتب این در باب فریضه و سنت جاری نمی شود و تعارض هم اِلَی آخره هست، این بحث ها را مطرح بکنیم از بحث خارج می شویم، برگردیم به بحث های خودمان، علی ای حال احتمالاً این حدیث مبارک اشاره به حدیث فریضه و سنة باشد

پرسش: از امام رضا هم هست

آیت الله مددی: جنابت؟

یکی از طلاب: میت و جنابت

آیت الله مددی: از امام صادق اصلاً نداریم؟ من در ذهنم این است، حالا عن احدهما باید همان باشد، حالا ذهن ما یکمی خراب شده اما نه به این خرابی به این زودی، به هر حال در ذهنم هست که از ائمه سابقین است یعنی باقرین سلام الله علیهما

علی ای حال این روایت را آقایان ما ظاهراً دقت نفرمودند، سرّ این که تجاوز در وضو جاری نمی شود آقایان تعبد گرفتند، طبق این روایت سرّش فریضه بودن است، دیگر از آن حالت تعبد در می آید چون یک قاعده اساسی کلی گذاشتیم اخلال به فریضه بای صورت مبطل عمل است. مِمّا سَمی الله چون خدا نام برده این در آن بحث محور جعل و تشریع عرض کردیم خیلی مهم است، چون می دانید در اصول ما این محاور سبعة ای که به ذهن من رسیده فرض کنید بنده مبدعش هستم اما این اگر بشود آن وقت این بحث فریضه و سنت را آن جا باید انجام بدهیم در محور جعل و تشریع که بسیار مسئله مهمی است، آن وقت اگر این بشود الان ذهنیت آقایان تعبد صرف است، ذهنیتی که الان پیدا شد نه این به خاطر فریضه و سنت است نه تعبد صرف یعنی اگر چیزی در کتاب الله یا در روایات از آن تعبیر به فرض شده است این طبیعتش در تشریع اسلامی این جور است که آن چیز حتماً باید اتیان بشود و حتی در ظرف عذر هم

.....

مقبول نیست، شک هم بکنیم باید دو مرتبه انجام بدهیم، هیچ فرض عذری، نسیان، شک، هیچی در آن تاثیر ندارد چون این ها به عنوان ارکان شریعت اند، اصلا وقتی در نماز و لذا ممکن است شما بگویید قاعده تجاوز را اگر حالا قبول کردیم به قول مرحوم آقای خوئی و دیگران، قاعده تجاوز یعنی قاعده تجاوز جاری نمی شود حسب قاعده است و اما در غیر وضو اگر جاری می شود این هم یک قاعده دیگری است نه این قاعده مثل غسل، در غسل اگر قاعده تجاوز جاری نشود مطلب دیگری است، مما سمی الله تعالی چون در غسل ذکر نشده، در غسل اجزا ذکر نشده، و إن كنت جنبا فطهروا، اجزا نیامده، چند بار عرض کردم آیه وضو کیفیت را دارد، إذا قمت الى الصلوة فاغسلوا وجوهكم، آیه غسل ندارد، و إن كنتم جنبا فطهروا، آیه تیمم هم دارد فامسحوا بوجوهكم و ایدكم منه، آیه تیمم هم دارد، این سه طهارت دو تایش کیفیتش در قرآن آمده یکیش نیامده و عرض کردیم در روایات ما هم دارد که اصولا یکی از خصائص عرب این بود که قبل از اسلام برای جنابت غسل می کردند، اصلا این متعارفشان بود. در بعضی از روایات این جز حنیفیه حساب شده، یکی از اموری که مال ابراهیم حنیف سلام الله علیه است همین است که غسل از جنابت است، در احتجاجات طبرسی هم دارد یک محاجه ای است با مجوسی و زردشتی است که می گوید ما از جنابت غسل می کنیم شما نمی کنید، علی ما بیالی در احتجاج طبرسی، علی ای حال کیف ما کان غسل ذکر نشده، دو مرتبه هم غسل در قرآن آمده، إن كنتم جنبا فطهروا و لا جنبا إلا عابری السبیل حتی تغتسلوا، آن جا تعبیر به تغتسلوا شده، یک جا تعبیر به اطهروا شده یک جا تعبیر به تغتسلوا شده.

علی ای حال کیف ما کان مما سمی الله چون خدا نام برده اگر شما شک کردید آن دیگر جاری نمی شود. ما دمت فی حال الوضوء، این جور متون یک خصلتی دارد، آقایانی که می خواهند کار بکنند چون این ظاهرا متن کتاب حریز است، البته ما سابقا گفتیم یک آقای که به هر حال ایشان جمع کرده، چاپ هم کرده صلوة حریز را چاپ کرده، کار علمی نیست اما به هر حال فعلا یک جا جمع کرده، خود این هم یک نعمتی است، یک جا جمع شده، ما دمت این متون به درد استفاده علمی هم می خورد که متن کتاب حریز یا حماد به چه صورت بوده،

مَا دُمْتَ فِي حَالِ الْوُضُوءِ فَإِذَا قُمْتَ عَنِ الْوُضُوءِ

این در این نسخه جامع الاحادیث من خودم مراجعه داشتم، من اعتمادا بر این نسخه چون متأسفانه این ها هم خیلی دقیق نیست، یکی دو جا را شاید سوال بکنم نگاه بکنید این خیلی دقیق نیست لکن به هر حال امتیازی که مخصوصا این جلد اول چاپ قدیم جامع الاحادیث بود که مرحوم آقای بروجردی نظر داشت مقابله بین متون کتب اربعه، کتب اربعه را ایشان نظر دارد و من از شاگردان ایشان، دقیقا نمی دانم کدام یکیشان، شنیدم که مقابله متون بین غیر کتب اربعه را نداشتند، فقط به کتب اربعه لکن انصافش این است که اگر مقابله هست بین همه باید باشد خصوص کتب اربعه خصوصیت ندارد. به هر حال آن وقت دقت بکنید الان اگر متن تهذیب با متن کافی اختلاف دارد که این جا مفصل نوشته، به نظرم تا دوازده مورد اختلاف را در این جا آورده، من نمی خوانم خود آقایان مراجعه بکنند مناسب بحث نیست لکن نکته فنیش فکر می کنم روشن شد، ظاهرا شیخ روایت را اساسا از کتاب حسین ابن سعید گرفته و کلینی از آن دو نسخه دیگر پس با این مقابله نسخ این مطلب هم برایتان روشن شد که نسخه حسین ابن سعید از کتاب حریر با نسخه ابراهیم چه اختلافاتی داشته و نسخه فضل ابن شاذان، مرحوم کلینی فرق دو نسخه را نفرمود، فعلا ما به حسب ظاهر عمل می کنیم، غرض یک مقداری اختلاف دارند.

فَإِذَا قُمْتَ عَنِ الْوُضُوءِ وَفَرَعْتَ مِنْهُ وَقَدْ صَرْتَ فِي حَالٍ أُخْرَى

این مثلا قد صرت فی حال اُخری، فی صلوٰه او غیر صلوٰه این یکمی ادبیاتش یک جور است، باید قاعدتا و قد صرت و او باید باشد

پرسش: تهذیب دارد

آیت الله مددی: می گویم، من می گویم مراجعه نکردم، با همان هشیاری ذاتی خودمان فهمیدیم که این ها دقیق نقل نمی کنند و إلا من دیگر مراجعه نکردم، تهذیب را نگاه نکردم اما مراجعه متن دقیق کلمات را با هم مقایسه بکنم به این نگاه به تهذیب نگاه نکردم. به خاطر آن حدیث ابن ابی یعفور تهذیب را مراجعه کردم از نزدیک و عنوان باب.

بله علی ای حال فاء نباید باشد و او باید باشد، و قد صرت فی حال اخرى یا إلی حال اخرى فی صلاة او غیر صلاة، البته از این روایت مبارکه معلوم می شود که در باب یعنی اگر فقد باشد یک جور معنا در می آید، و قد باشد یک جور معنا در می آید، معلوم می شود در قاعده فراغ هم دخول در غیر می خواهد در صورتی که در قاعده فراغ دخول در غیر نمی خواهد، به مجرد فراغ قاعده فراغ جاری می شود، در قاعده تجاوز دخول در غیر می خواهد

و قد صرت فی حال اخرى فی الصَّلَاةِ أَوْ فِي غَيْرِهَا فَشَكَّكَتَ فِي بَعْضِ مَا قَدْ سَمَى اللَّهَ، باز مِمَّا أَوْجَبَ اللَّهَ عَلَيْكَ فِيهِ وُضُوءٌ، این جا هم نسخه ها مختلف است

فَلَا شَيْءَ عَلَيْكَ فِيهِ، با این که شکت در فیما سَمَى الله است

ببینید در قاعده فراغ هم لسانش با قاعده تجاوز یکی است، این نکته تمام این زحماتی را که در این چند روز باید بخوریم نکته اش این است یعنی آقایان گفتند در قاعده تجاوز شک در وجود است، در قاعده فراغ شک در صحت موجود است اما این جا شک در وجود است، در قاعده فراغ و تجاوز یک تعبیر است یعنی در قاعده تجاوز هم می گوید فی بعض ما سَمَى الله در قاعده فراغ هم می گوید فی بعض ما سَمَى الله، فلا شی علیه، در قاعده فراغ هم تعبیرش همان تعبیری است که در قاعده تجاوز است و ظاهر هر دو شک در وجود است و لذا بعید نیست که بگوییم اصولاً دو تا قاعده یکی اند، لسان یکی استف هیچ فرق نمی کند، فقط این است که اگر در اثنای وضو هستید شک کردید اعتنا نکن، بعد از آن اعتنا نکن، فقط فرقی همین است و إلا ظاهرش هم شک در وجود است، شک هر دو در وجود است

فَإِنْ شَكَّكَتَ فِي مَسْحِ رَأْسِكَ فَأَصَبْتَ فِي لِحْيَتِكَ بَلَلًا فَاَمْسَحْ بِهَا عَلَيْهِ وَعَلَى ظَهْرِ قَدَمَيْكَ

این فَإِنْ شَكَّكَتَ فِي مَسْحِ رَأْسِكَ هم چون این به اصطلاح سوال نبوده، یکی از مشکلات این کتب قدیم مخصوصاً کتاب حریز که ما جای دیگر هم صحبت کردیم احتمال می دهیم که مثلاً از قبیل حدیث مدرج باشد، چون بحث شک در این ها که نبود و این شککت

فیه، به اصطلاح مسح راسک فاصبت فی لحيّتك بللا فامسح بها عليه و علی ظهر قدمیک، ظاهرش این است که واجب باشد اما چنین چیزی بعید است چون شک یعنی عمل درست است، احتمالا برای ازاله وسواس و شک و تردید و چطور این عمل من درست است.

پرسش: ما از کجا بفهمیم که صحت است یا وجود؟

آیت الله مددی: یکی است، اُنک لم تغسله تمسحه مما سمی الله، باز دارد و اِنْ کنت فیه فشککت فی بعض ما قد سمی الله فلا شیء علیک، ظاهرا تعبیرش یکی است، هر دو شک در وجود و امض فی صلاتک

فَإِنْ لَمْ تُصِبْ بَلَلًا حَالًا این مسئله بلة که اصولا می گویند اگر خشک شد از محاسن یا بعضی ها گفتند از ابرویش بگیرد ما در محلس عرض کردیم این مطلب ثابت نیست، علی خلاف القاعدة است، علی ای حال اگر خشک شد اعاده وضو بکند، این که ریشش هم تر باشد مسح سر بکند کافی نیست

فَوَإِنْ صَبَتْ فِي لِحْيَتِكَ بَلَلًا فَأَمْسَحْ بِهَا عَلَيْهِ وَعَلَى، این ظاهرا برای ازاله وسواس باشد یعنی کار واجب نیست، به خاطر این که بعد بلافاصله می گوید فَإِنْ لَمْ تُصِبْ بَلَلًا فَلَا تَنْقُضِ الْوُضُوءَ بِالشَّكِّ پس معلوم می شود که استحباب است، این مطلب ازاله وسواس است و اِلَّا معنا ندارد که بگویند اگر آبی نبود اشکال ندارد

وَامْضِ فِي صَلَاتِكَ وَإِنْ تَيَقَّنْتَ أَنَّكَ لَمْ تُتِمَّ وَضُوءَكَ فَأَعِدْ عَلَى مَا تَرَكْتَ يَقِينًا حَتَّى تَأْتِيَ عَلَى الْوُضُوءِ

اگر شک بود، این ظاهرش این طور است یعنی ظاهرش همین ترکت یقینا بعد از فراغ که اگر یقین پیدا کردی دو مرتبه انجام بده
قَالَ حَمَّادٌ وَقَالَ حَرِيزٌ

در کافی چاپ جدید ببینید واو دارد یا نه، در کافی که نسخه معروف است واو دارد، ایشان نقل کرده

قَالَ حَمَّادٌ وَقَالَ حَرِيزٌ قَالَ حَرِيزٌ قَالَ حَرِيزٌ

یکی از طلاب: و قال دارد؟ نسخه بدل ندارد؟

یکی از طلاب: تهذیب ندارد

آیت الله مددی: نه تهذیب ندارد، کافی نسخه بدل دارد؟ حاشیه اش نسخه ندارد؟

به هر حال اگر واو باشد که در نسخه کافی است

یکی از طلاب : نسخه ندارد

آیت الله مددی : اگر واو باشد که نسخه کافی است احتمالا اشاره به این باشد که مرحوم کلینی از دو کتاب دیده، این که ما می

گوییم روی متون دقت بکنید یعنی قال حماد و قال حریر یعنی هم در کتاب حماد بود و هم در کتاب حریر اما اگر واو نباشد قال حماد

قال حریر یک مصدر است

قال حماد قال حریر قال زرارۃ قُلْتُ لَهُ

پرسش: حماد هم کتاب جدا داشته؟

آیت الله مددی: همان کتاب حریر است اضافات دارد.

پرسش: چون حماد بیشتر از حریر نقل می کند

آیت الله مددی: بله خودش هم دارد.

آن وقت مرحوم کلینی گاهی می گوید علی ابن ابراهیم عن ابیه عن حماد عن حریر کذا، گاهی بعد از این سند می گوید حماد،

ابتدا به حماد می کند، گاهی بعد از این سند ابتدا به حریر می کند، احتمالا هر دو کتاب پیش ایشان بوده هم کتاب حماد هم کتاب

حریر.

قال زرارۃ قلت له رَجُلٌ تَرَكَ بَعْضَ ذِرَاعِهِ أَوْ بَعْضَ جَسَدِهِ مِنْ غُسْلِ الْجَنَابَةِ

دیگر حالا ظاهرا قلت له یعنی برگردد به ابی جعفر سلام الله علیه ظاهرا این طور است

فَقَالَ إِذَا شَكَّ وَكَانَتْ بِهِ بَلَّةٌ وَهُوَ فِي صَلَاتِهِ مَسَحَ بِهَا عَلَيْهِ

این شک بعد از صلوٰة است، از باب ازاله وسواس

وَإِنْ كَانَ اسْتَيْقَنَ رَجَعَ وَأَعَادَ عَلَيْهِمَا

یکی از طلاب : اعاد دارد

آیت الله مددی: بله می دانم، دیگر اختلافات را نمی خوانم.

مَا لَمْ يُصِبْ بِلَّةٍ

این به همین مقدار، اگر بله ای پیدا نکرد

فَإِنْ دَخَلَهُ الشَّكُّ وَقَدْ دَخَلَ فِي حَالٍ أُخْرَى فَلْيُمِضْ فِي صَلَاتِهِ وَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ

خیلی عجیب است، اصلا مفروض کلام این است که شک دارد و در حال اخری است که در حال صلوة است، این فی حال صلوة تفسیر

است، این جا بیان حالت قبلی است

فلیمض فی صلاته و دخل فی حال اخری

آیت الله مددی: تهذیب چه دارد؟

یکی از طلاب: و دخل فی صلاته فلیمض فی صلاته

آیت الله مددی: و دخل فی حال اخری در کتاب کافی آمده، و قد دخل فی صلاته در تهذیب آمده

فَلْيُمِضْ فِي صَلَاتِهِ وَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ

خب یکمی خیلی عبارتش صاف صاف نیست مثل بقیه جاها نیست، چون غالبا کتاب حریر خیلی خوش عبارت است، بعد دارد:

وَإِنْ اسْتَيْقَنَ رَجَعَ فَأَعَادَ عَلَيْهِ الْمَاءَ

این هم خیلی عجیب است و إن استیقن، بعد از آن جا دارد استیقن، آن جا دارد و إن کان استیقن رجع و اعاد علیه الماء، این جا باز

دوباره دارد و إن استیقن رجع فاعاد الماء علیه، آن جا دارد ما لم یصب بلة این جا دارد و إن رآه و به و این جا دارد و إن رواه و به

بلة مسح علیه، و إن رواه و به بِلَّةٍ مَسَحَ عَلَيْهِ وَأَعَادَ الصَّلَاةَ بِاسْتِيقَانٍ

آیا احتمالا مثلا در این روایت جناب زرارہ آن جور کہ نقل کردہ، نمی دانم فتوای خودش است کہ ادراک شدہ، آیا نظرش این است کہ فرق بگذارَد بین یقین و رویت؟ یک دفعہ یقین دارد یک قسمت بدنش نشسته و یک دفعہ می بیند یک قسمت بدن را نشسته، این رآہ ظاہرش این طور است و اِنْ رآہ و بہ بلۃ این جا دارد بہ بلۃ، اِنْ جا داشت ما لم یصب بلۃ،

مَسَحَ عَلَيْهِ وَ اَعَادَ الصَّلَاةَ بِاسْتِيقَانٍ وَ اِنْ كَانَ شَاكًا فَلَيْسَ عَلَيْهِ فِي شَكِّ شَيْءٍ

اِنْ جا هم دارد اِنْ دخله الشک فلمیض علی شئی علیہ

فَلَيْسَ عَلَيْهِ فِي شَكِّ شَيْءٍ فَلْيَمُضْ فِي صَلَاتِهِ.

انصافا با این کہ کتاب کاملا واضح است و نسخہ خوبی هم هست. سہ تا نسخہ است ولی اما انصافا یک ابہامی دارد بینی و بین اللہ خالی از ابہام نیست، اِنْ چہ کہ من بہ قول معروف با رمل و اسطربا بہش گرفتیم بہ نظر من می آید این جا این و اِنْ استیقن دوم این شبیہ اولی است، فقط توش رآہ دارد، مضافا بہ این کہ در نسخہ استیقن در کافی استبان دارد بہ جای استیقن، استبان مثل بین، مثل رآہ، من احتمال می دہم این فرق بین رویت و یقین باشد احتمالا، یک احتمال دیگری کہ بہ ذہن ما آمدہ گفت با علم رمل و اسطربا این است کہ این و اِنْ استیقن این طور باشد اَوْ قال و اِنْ استیقن، این چون شبیہ تکرار مطلب سابق است، فقط در مطلب سابق یقین و شک است در این جا در یکیش استبان و رآہ است یا می خواهد بین یقین و رویت فرق بگذارَد و اِلَّا مثل هم است، فرق نمی کند، یا من احتمال می دہم نسخہ ای کہ در اختیار ایشان بودہ در اختیار مرحوم شیخ کلینی بودہ چون دو نسخہ است، یک نسخہ فضل ابن شاذان است و یک نسخہ ابراہیم ابن ہاشم است، این دو تا عبارت مال دو نسخہ باشد، مثلا این جور بود اَوْ قال و اِنْ استیقن یعنی متن این است یا متن اِنْ است، عرض کردم فرق بین دو تا متن نیست، یکی دارد ما لم یُصَبَّ بلۃ، یکی دارد و بہ بلۃ، فرقش این است ما لم یُصَبَّ بلۃ دارد و یکیش و بہ بلۃ، یکی هم سر نکتہ رآہ دارد کہ اِنْ یکی یقین دارد. و اِلَّا مثل ہمدیگر ہستند، فرق نمی کند.

پرسش: یعنی او قال افتادہ باشد؟

آیت الله مددی: آهان یعنی کلینی هر دو ذیل را نقل کرده، مثلاً می خواسته بگوید در نسخه فضل، آن وقت این متعارف بوده، متعارف بوده وقتی که یک مطلبی را از یکی نقل می کردند می گفت قال فلان أو قال ما یُشبه ذلک، این او قال می آوردند به عنوان کلام دوم، یعنی ظاهراً احتمالاً آنی که الان چون مثل هم اند، خیلی مثل هم اند، درست مثل هم تکرار شدند، احتمالی که من الان یعنی امروز هم روی فطرت خودمان، مطالعه خودمان جایی هم ندیده بودم، از مشایخ نگاه بکنم کتب سابقین این تکرارش چیست، این که تکرار شده چه نکته ای دارد، علی ای حال به ذهنم اجمالاً رسید، دیگر هم وقت نبود هم حال نبود و عادتاً هم خیلی نگاه بکنیم مثلاً بگویند برداشت این است که آن آقا فرمودند، چون الان دست ما کوتاه است، فکر می کنم مال دو نسخه است مخصوصاً چون بنده صاحب التخصیر خیلی روی مسئله فهرستی تاکید دارم احتمال می دهم یک عبارتش مال نسخه ابراهیم ابن هاشم است و یکیش مال نسخه فضل ابن شاذان است، احتمال می دهم این جور باشد چون تکرار این دو سطر اخیر، این دو سطر این کتاب مرحوم آقای بروجردی این دو سطر تکرار ما سبق است، عرض کردم مگر همان فرق را بگوییم که سابقش استیقان بود این رویت است، استبانة است، رویت است، رآه، لکن ظاهراً فرقی نکند.

پرسش: نتیجه این قضیه چه می شود؟

آیت الله مددی: یکی است فرق نمی کند.

علی ای حال این را هم دیگر آقایان خودشان فکرش را بکنند، من فکر می کنم این عبارت انسجام درستی ندارد و این عبارت در حقیقت دو متن یک مطلبی است، به قول امروزی ها دو ویرایش از یک متن است، مطلب یکی بوده دو ویرایش، یکی نسخه ابراهیم است و یکی هم نسخه فضل ابن شاذان

مرحوم صدوق هم در هدایة خلاصه این روایت را آورده، کل من فرض فی الشک، کل من شک فی الفرض، خیلی دقت بکنید، آن ما سمی الله اسمش شد فرض و هو قاعد علی حال الوضو، من فکر می کنم دقت مرحوم شیخ صدوق، نگفت علی حال الطهارة که شامل

.....
غسل و تیمم هم بشود، شامل غسل و تیمم نمی شود و هو قاعد علی حال الوضو، البته غسل که فرض ندارد توش، فقط فاطهروا دارد
اما تیمم فرض دارد

فلیعد و من شک فی الوضو و قد قام عن مکانه فلا یلتفت الی الشک الا ان یتیقن، البته و قد قام عن مکانه ندارد و قد دخل فی
صلاة أو غیرها، وضویش تمام شد اما قیام هم نمی خواهد مگر بگوئیم مرحوم شیخ صدوق، خوب دقت بکنید این بزرگان چقدر
ظرافت ها دارند، نظرش به قام شک در مثل مسح پای چپ آخرین جز باشد چون اگر شک کرد که پایش را مسح کرده هنوز حال
وضو است همان جا مسح بکشد، اگر می خواهد از حال وضو خارج بشود بلند بشود، بلند که شد دیگر از حال وضو در آمد، احتمال
دارد این قد قام مکانه را مرحوم شیخ صدوق روی قرائت بر مشایخ اضافه کرده به خاطر این که شک در مسح پای چپ هم شامل
بشود، روشن شد؟ و إلا اگر وضویش تمام شد شک کرد مسح پای چپ کرده یا نه، این هنوز در محلهش است، اعاده بکند؟ این ها را
خواستند بگویند قد قام عن مکانه، اگر بلند شد نه دیگر اعتنا نکند اما اگر هنوز نشسته پای چپ را مسح بکند.

پرسش: مبهم ۳۸:۱۸

آیت الله مددی: اشکال ندارد، بیع برای خیار است، این جا که خیار نیست، قیاس نیست، می خواهد بگوید فراغ از وضو به این است
که اگر نشسته بود شک در مسح پای چپ کرد هنوز در محل وضو است پایش را مسح بکند.

پرسش: الان یک کتاب را برداشت همان جا خواند بلند نشد در حال وضو نیست؟

آیت الله مددی: بلند بشود یعنی در حال وضو، آن وقت اگر شک در مسح پای چپ کرد اعتنا نکند، روشن شد؟ اگر هنوز نشسته بود،
آیا مراد شیخ صدوق این است؟ البته این مطلب که اگر شک در جز اخیر کرد چکار بکند آن بحث را آقایان دارند، من احتمال می دهم
صدوق این جور فهمیده یعنی وضو تمام شد تمام شدنش این است، برای این که تمام حالات شک را بگیرد من جمله شک در جز
اخیر، باید جوری بگوید که تمام حالات شک را بگیرد، اگر می خواهد تمام حالات شک را بگیرد قام عن مکانه باید باشد.

متن کامل مطابق با صوت دروس خارج اصول فقه حضرت آیت الله استاد حاج سید احمد مددی الموسوی (حفظه الله)

دوشنبه: ۱۳۹۷/۱۲/۱۳

موضوع: خاتمه بحث استصحاب، مطلب چهارم، قاعده فراغ و تجاوز

صفحه ۱۶

جلسه: ۹۸

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين